

داستان دنباله‌دار نفت

کالبد شکافی سرمایه‌گذاری‌های صنعت نفت (قراردادهای
بیع متقابل)، به کوشش داریوش مبصر، تهران، انتشارات
کویر - ۱۳۷۹، ۴۳۰ ص. ۲۲۰۰۰ ریال

داستان نفت در ایران از آغاز قرن بیستم شروع شد و بر تمام تحولات عمده کشور سایه افکند. در این قرن، سه رویداد مهم تاریخی به وقوع پیوست که تاثیر شگرفی بر توزیع قوای سیاسی، هنجارهای اجتماعی و توسعه اقتصادی کشور بر جای نهاد: در ربع اول قرن، نهضت مشروطه، در اواسط قرن، نهضت ملی شدن صنعت نفت و در ربع آخر قرن، پیروزی انقلاب اسلامی. حوادث و پیامدها و رخدادهای مذکور بر حدیث نفت در این مرز و بوم نیز تاثیرات عمیقی بر جای گذاشته است. گوناگونی و تنوع آراء نظرات پیرامون مسائل مربوط به توسعه صنعت نفت از همین عوامل سرچشمه می‌گیرد. مناقشات فراوان چند ماهه اخیر بر سر قراردادهای سرمایه‌گذاری در بخش‌های بالادستی و پایین دستی حکایت از آن دارد که به دنبال بحران ناشی از جنگ ۸ ساله ایران مجال آن را نیافته است که به نحو شایسته‌ای به توسعه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی بپردازد. طی سال‌های جنگ و دوران ریاضت اقتصادی، کشورهای حوزه خلیج فارس فرصت یافتند که به شکل قابل ملاحظه‌ای موازنه اقتصادی منطقه را به نفع خود تغییر دهند. از طرف دیگر تلاش‌هایی که بعد از جنگ و طی دوران سازندگی صورت گرفت با تحریم اقتصادی ایران و در برخی موارد عدم همکاری بعضی از کشورهای توسعه یافته و توانا در این صنعت و بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی

صاحب منابع مالی و فناوری لازم، مواجه گردید و همین امر باعث که در این صنعت آنچنان که شایسته کشور ایران است سرمایه‌گذاری‌های وسیع صورت نگیرد. ناگفته نماند که تمامی محدودیت‌ها به محدودیت‌های خارجی منتهی نمی‌گردد. چرا که محدودیت‌هایی در توانایی ایران در سرمایه‌گذاری در این صنعت و در قانون اساسی که بدان اشاره خواهد شد نیز از جمله موانعی است که سرمایه‌گذاری را مختل کرده است. وضعیت کنونی سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی نفت در اکثر کشورهای عضو اوپک از یک نظر نگران کننده است، چرا که دولت‌های کشورهای تولیدکننده نفت با اقتصادی وابسته به درآمدهای نفتی نیازمند مبالغ زیادی اعتبار برای به حرکت درآوردن و بازسازی اقتصاد برای حفظ و گسترش پتانسیل تولید نفت خود هستند. شرکت‌های بین‌المللی نفت با داشتن منابع مالی و مهارت تکنولوژیکی، مدیریتی و بازاریابی به کسب منابع فراوان نفت و گاز کشورهای تولیدکننده نفت احتیاج دارند و این پرسش همواره وجود داشته است که چه نوع قراردادهایی وجود دارد که برای طرفین سودمند و همزمان از نظر سیاسی برای کشور میزبان قابل قبول باشد.

به سادگی نمی‌توان بهترین قرارداد را تعیین نمود. هر نوع قراردادی بسته به مواد آن، می‌تواند مفید یا مضر به حال یک طرف یا دیگری باشد. شاید از نقطه نظر کمپانی‌های نفتی موافقت‌نامه در مشارکت در تولید همراه با مشارکت سخاوتمندانه در مواد مربوط به پرداخت هزینه‌ها و مالیات بر درآمد پایین بهتر باشد در صورتی که موافقت‌نامه امتیازی با نرخ مالیات بالا و به عهده گرفتن هزینه‌های استهلاک برای قاعدتا مطلوب این شرکت‌های نفتی نمی‌باشد. جدای از مواد و شرایط قرارداد، نکته کلیدی که بخش لاینفک این ترتیبات است رضایت بیشتر یک طرف نسبت به طرف دیگر خواهد بود. اما برای ایران امروز به خاطر نرخ دو رقمی بیکاری و حفظ ظرفیت تولید نفت ایران در اوپک، توسعه سرمایه‌گذاری در بخش صنعت نفت یک ضرورت به نظر می‌رسد. در کتاب فوق تلاش شده است کلیه تجربیات شرکت‌های نفتی در زمینه قراردادهای نفتی بین این شرکت‌ها و کشورهای میزبان از لحاظ حقوقی و محتوایی بررسی شود. ترتیبات قراردادی در بخش نفت و گاز به دو گروه نظام‌های امتیازی و نظام‌های قراردادی تقسیم شده است. (ص ۱۹). نظام‌های قراردادی را می‌توان در دو گروه قراردادهای مشارکت در تولید و قراردادهای خدماتی دسته‌بندی کرد. قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری را نیز می‌توان گونه‌ای پیشرفته‌تری از قراردادهای خدماتی توأم با خطر پذیری و قراردادهای خدماتی بیع متقابل دسته‌بندی کرد. در فصل اول کتاب، جزء به جزء راجع به هر یک از این قراردادها و تجربه بعضی از کشورها راجع به این قراردادها از لحاظ حقوقی و فنی به تفصیل بحث گردیده است.

به طور خلاصه می‌توان انواع قرارداد را از طریق جدول ۱ دنبال کرد.

در فصل دوم کتاب، به طور مبسوط از لحاظ حقوقی، خدماتی و فنی و مالی راجع به قراردادهای بیع متقابل بحث شده است. به طور خلاصه می‌توان گفت که قراردادهای بیع متقابل نوعی از قراردادهای خدماتی است که در اصل خرید خدمات به حساب می‌آید و شرکت سرمایه‌گذار خارجی کلیه وجوه سرمایه‌گذاری همچون نصب، راه‌اندازی و انتقال تکنولوژی را بر عهده می‌گیرد و پس از راه‌اندازی به کشور میزبان واگذار می‌کند. بازگشت سرمایه همچنین سود سرمایه شرکت سرمایه‌گذار از طریق دریافت محصولات تولید صورت می‌پذیرد. علت طبقه‌بندی قرارداد بیع متقابل در رده قراردادهای خرید خدمت این است که انجام بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاری از محل مایعات گازی، نفت خام و فرآورده‌های نفتی صورت می‌گیرد. این نوع قرارداد در کشورهایی که قوانین آنها هر گونه مالکیت بخش خصوصی و یا خارجی را بر صنعت نفت منتفی می‌داند مورد استفاده قرار می‌گیرد. مطابق با اصل ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی صنایع نفت به صورت کلی صنایع ملی به حساب می‌آیند و واگذاری آنها به کشورها و شرکت‌های خارجی به هر نحوه مطابق این قانون ممنوع می‌باشد. به همین دلیل است که از این نوع قراردادها علی‌الخصوص بعد از انقلاب توسط شرکت ملی نفت در صنایع بالادستی و پایین دستی استفاده شده است.



جدول ۱: مقایسه ساختار انواع قراردادهای رایج در صنعت نفت و گاز

نوع قرارداد			
امتیازی	مشارکت در تولید	مشارکت در سرمایه گذاری	بیع متقابل
ساختار مالکیت	مالکیت کامل شرکت عامل بر مخازن و تولید	مالکیت شرکت عامل بر بخشی از مخازن (حسب تسفیر دیوان داوری لاهه) و بر بخشی از تولید	مالکیت متعلق به کشور میزبان می باشد
ساختار عملیات و مدیریت	حاکمیت شرکت عامل بر کلیه عملیات اعم از اکتشاف، بهره برداری، فراورش، بازاریابی و...	حاکمیت شرکت عامل بر کلیه عملیات اکتشاف، بهره برداری، فراورش و بازاریابی و... از طریق یک کمیته مشترک صورت می گیرد قابل تغییر براساس موافقتنامه عملیاتی	کنترل عملیات، هزینه و تولید توسط دولت میزبان صورت می گیرد.
ساختار انتقال تکنولوژی نرم افزاری*	انتقال تکنولوژی مسر نیست.	امکان انتقال تکنولوژی نرم افزاری به صورت بطئی و با گذشت زمان ایجاد می شود.	انتقال تکنولوژی در قرارداد آموزش نیروی انسانی مورد درخواست کشور میزبان پیش بینی شده است.
ساختار تسهیم منافع	منافع کشور میزبان محدود به بهره مالکانه و مالیات است.	بخشی از تولید طبق قرارداد نصیب شرکت عامل می شود. مالیات هم وجود دارد.	بخشی از تولید بر طبق قرارداد متعلق به شرکت عامل است و علاوه بر آن مالیات هم پرداخت می کند.
ساختار خطری خطری	خطری عملیات	خطری مشترک	خطری شرکت عامل
	خطری اکتشاف	خطری مشترک	خطری شرکت عامل
		متوجه سرمایه گذاری است.	متوجه سرمایه گذار است.
		وجود ندارد (تاکنون قراردادهای در مورد میدین کشف شده امضا شده اند) در مورد میدین اکتشافی وجود دارد.	وجود ندارد (تاکنون قراردادهای در مورد میدین کشف شده امضا شده اند) در مورد میدین اکتشافی وجود دارد.

* تکنولوژی سخت افزاری در کلیه ترتیبات قراردادی منتقل می شود و آموزش جهت انتقال تکنولوژی نرم افزاری در اغلب موارد پیش بینی شده است.

نرخ بازده سالانه سرمایه‌گذاری متناسب با پروژه در قراردادهای بیع متقابل متغیر بوده و می‌بایست در قالب اقساط مساوی به پیمانکار از طریق فروش فرآورده‌های نفتی و گازی پرداخت گردد. پس از پایان دوره پرداخت اصل، بهره و سود سرمایه‌گذاری‌ها، پیمانکار دارای هیچ گونه حقی در میادین نفت و گاز کشور میزبان نخواهد بود. پیمانکار خارجی در این سرمایه‌گذاری‌های مشترک فاقد سهم است و پروژه‌ها فاقد خطرپذیری اکتشاف‌اند. زیرا همگی در میادینی که دارای ذخایر اثبات شده نفت و گاز هستند به اجرا در خواهند آمد. به طور خلاصه می‌توان گفت پیمانکار وظیفه تامین مالی طرح (به صورت کامل)، مسوولیت اجرایی و مهندسی، مسوولیت سفارشات، ساخت و نصب، تصویب‌خواهی از کشور میزبان به وسیله کمیته مشترک مدیریت، انتقال تکنولوژی، آموزش و راه‌اندازی و تحویل میدان پس از توسعه آن به کشور میزبان را داراست و کلیه مراحل مذکور تحت نظارت فنی و مالی کشور میزبان قرار می‌گیرد. (صفحات ۳۳ - ۳۷ و به طور کلی فصل دوم کتاب) فصل سوم کتاب به بررسی قراردادهای نفتی منعقد شده در ایران طی ادوار مختلف اختصاص یافته و قراردادهای نفتی منعقد شده طی سه دوره یعنی قبل از انقلاب، پس از انقلاب تا آغاز برنامه اول توسعه (۱۳۶۸) و از سال ۱۳۶۸ تا کنون را بررسی می‌کند. قراردادهای مربوط به قبل از ملی شدن نفت تمامی قراردادهای امتیازی هستند که می‌توان به قرارداد امتیازی داری، قرارداد امتیازی شرکت نفت ایران و انگلیس اشاره کرد. هر دو قرارداد محدوده‌های وسیع امتیازی همه اراضی غرب و جنوب غربی کشور را در بر می‌گرفت و در عوض مبالغ پرداختی به دولت ثابت بود و هرگز از رقم ۱۶ درصد عواید فراتر نرفت. پس از ملی شدن نفت در سال ۱۳۳۰ شمسی و سقوط دولت دکتر مصدق، بنا به صلاحدید دولت ایران چند شرکت بزرگ نفتی در ایران گرد هم آمدند و کنسرسیومی را تشکیل دادند. این کنسرسیوم به عنوان خریدار نفت با شرکت ملی نفت ایران قراردادی منعقد کرد که طی آن نفت خامی را که توسط کنسرسیوم استحصال می‌شد، به اعضای آن می‌فروخت. اعضا نیز به نوبت نفت را در بنادر به قیمت فوب یعنی بدون در نظر گرفتن کرایه حمل و بیمه - می‌فروختند و از مابه التفاوت قیمت اعلان شده هزینه استحصال که به عنوان درآمد شرکت تلقی می‌شد، ۵۰ درصد به عنوان مالیات به ایران می‌پرداختند. بهره مالکانه یا حق امتیاز معادل یک هشتم بهای نفت خام بود. (ص ۸۵-۸۸). البته در فصل سوم و در قسمت قراردادهای قبل از انقلاب قراردادهای از نوع دیگری نیز منعقد گردیده که در آنها منافع ایران بیشتر تامین شده است. اما راجع به قراردادهای بعد از انقلاب می‌توان گفت که به علت جو حاکم بر کشور رخداد انقلاب و نگرشی که در کشور نسبت به سرمایه‌گذاری‌های خارجی وجود داشت تا سال ۱۳۶۸ جذب سرمایه خارجی در بخش بالادستی نفت صورت نگرفت (ص ۹۹) و عمده

سرمایه‌گذاری مربوط به صنایع پایین دستی نفت یعنی صنایع پتروشیمی است. به موجب قانون اساسی تنها راه‌حلی که در سرمایه‌گذاری صنایع بالادستی برای دولت باقی می‌ماند، استفاده از روش قراردادهای بیع متقابل بود به موجب تبصره ۲۹ بودجه سال ۱۳۷۸ مصارف ارزی هرگز نباید باعث افزایش تعهدات ارزی دولت گردد. این به آن معناست که اگر از سرمایه خارجی به صورت بیع متقابل و یا فاینانس برای توسعه فعالیت‌های بالا و پایین دستی نفت استفاده می‌شود، دولت باید بتواند از محل تولیداتش، اصل سرمایه و کارمزد آن را بازپرداخت کند. از طرفی این تبصره به طور ضمنی دولت را مکلف می‌کند که در طرح‌های بدون خطرپذیری سرمایه‌گذاری کند و یا در صورت وجود خطر آن را به طرف خارجی منتقل کند تا دولت تعهدی در مورد بازپرداخت سرمایه و سود آن نداشته باشد. تمامی موارد گفته شده اقتصاد نفت کشور را به سمت پذیرش شیوه‌های بیع متقابل هدایت کرده است. (ص ۱۰۴ و ۱۰۵)

از قراردادهای امضا شده در چند سال اخیر که همگی قراردادهای بیع متقابل هستند می‌توان به میادین نفتی سیری «E» و «A»، طرح توسعه پارس جنوبی، میدان نفتی درود، توسعه میدان نفتی بلال، میدان نفتی سروش و نوروز، طرح جمع‌آوری گازهای همراه نفت موسوم به طرح «آماگ»، میادین نفتی نصرت و فرزام و توسعه میدان سلمان را نام برد.

در فصل چهارم مولف کتاب کوشیده است اظهار نظرهای مختلف را در مورد قراردادهای نفتی بیع متقابل که در جراید منتشر شده‌اند، یک جا جمع کند.

لازم به یادآوری است که این مقالات در بین سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ در مطبوعات کشور منتشر شده‌اند. با مروری بر این مقالات می‌توان با دیدگاه‌های مختلف صاحب‌نظران در مورد این نوع قراردادها آشنا شد که پاره‌ای از آنها به مطالب زیر می‌پردازند:

۱) هفته نامه شما در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۸ نوعی هماهنگی بین تحریم امریکا با برخی از شرکت‌های نفتی خارجی دیده است که همزمانی تحریم‌ها و انعقاد این قراردادها و به تعویق افتادن آنها موجب شده است که شرکت‌های نفتی از این تحریم‌های ابزاری برای چانه‌زنی با ایران استفاده کنند و در ادامه نتیجه گرفته است که آمریکا با علم به این مساله، نقش نسبتاً موثر خود را در پشت صحنه به نفع شرکت‌های چند ملیتی و به زیان جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند. (ص ۱۶۹)

۲) گروهی دیگر از صاحب‌نظران شبیه استفاده از منابع نفتی دیگر برای پرداخت هزینه منابع قرارداد صنایع بالادستی را در صورتی که منبع فوق تکافوی هزینه‌ها را ندهد،

مطرح کرده‌اند که وزارت نفت فقط این مساله را در مورد پروژه گازی پارس جنوبی می‌پذیرد. (ص ۱۷۳)

۳) گروهی دیگر از صاحب‌نظران اصولاً قراردادهای بیع متقابل را قراردادهای مناسبی ندیده‌اند حال آن که اصولاً نوع قرارداد نمی‌تواند بر میزان مفید بودن قرارداد اطلاق شود چرا که چگونگی و کیفیت این قراردادها بر میزان سوددهی و ضرردهی آنها است، نه نوع قرارداد (ص ۱۹۲).

۴) گروه بسیاری از صاحب‌نظران از اطلاع رسانی ناکافی و نامناسب وزارت نفت نسبت به این قراردادها انتقاد کرده‌اند. وزارت نفت در جواب این منتقدان متذکر شده است که اولاً انتشار مفاد این قرارداد، به صلاح کشور نیست، ثانیاً در همایش شهرپور ۱۳۷۷ و قبل از ورود به مناقصه قراردادهای بیع متقابل، جزئیات حقوقی و مالی و فنی این قراردادها منتشر شده است.

۵) در قسمتی از فصل چهارم کتاب به این بحث که بین یکی از مسوولین وزارت دارایی و یکی از مشاورین شرکت نفت دامن مطرح شده است اشاره دارد که براساس آن، یکی از مسوولین وزارت دارایی مدعی است اولاً به همه قراردادهای در شورای اقتصاد به عنوان ناظر و تصویب کننده این قراردادها پرداخته نشده و ثانیاً آن تعدادی از قراردادها هم که مورد تصویب قرار گرفته‌اند نیازمند بررسی بیشتری بودند. (ص ۳۰۳-۲۹۱)

همان طور که قبلاً نیز گفته شد نفس قراردادهای بیع متقابل بد نیست بلکه چگونگی و کیفیت این نوع قراردادها است که می‌باید در جای خود مورد ارزیابی قرار گیرد و عمده مناقشات به وجود آمده در مورد این قراردادها در یکی دو ساله اخیر به سبب عدم اطلاع‌رسانی شفاف وزارت نفت از مفاد این قراردادها می‌باشد.

فرم اشتراک

فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو مجله‌ای است که از طریق مقالات، نقد و تفسیر اخبار به بررسی و ارزیابی مسائل اجتماعی و فرهنگی ایران و جهان می‌پردازد.

تکفروشی و حق اشتراک مهمترین منابع تأمین مخارج این نوع نشریات هستند. در صورتی که روش گفت و گو را می‌پسندید و ماندگاری آن را برای فرهنگ و جامعه مفید می‌دانید ما را یاری کنید.

شرایط اشتراک:

بهای اشتراک سالانه (۴ جلد) در داخل کشور (با احتساب هزینه پست) دو هزار تومان است. برای مؤسسات و کتابخانه‌ها چهار هزار تومان و برای محصلین و دانشجویان هزار و ششصد تومان.

متقاضیان می‌توانند وجه اشتراک را نقداً به نماینده مجله بپردازند و رسید دریافت کنند. یا وجه اشتراک را به حساب جاری شماره ۵۶۷۸/۵ بانک ملت شعبه بلوار کشاورز به نام مراد ثقفی واریز کنند و اصل برگه را با ذکر نشانی دقیق (با قید کدپستی) به نشانی صندوق پستی مجله ارسال کنند.

پرتال جامع علوم انسانی

نام و نام خانوادگی:

نشانی:

.....

.....

فرم اشتراک دوسالانه

فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو مجله‌ای است که از طریق مقالات، نقد و تفسیر اخبار به بررسی و ارزیابی مسائل اجتماعی و فرهنگی ایران و جهان می‌پردازد.

تکفروشی و حق اشتراک مهمترین منابع تأمین مخارج این نوع نشریات هستند. در صورتی که روش گفت و گو را می‌پسندید و ماندگاری آن را برای فرهنگ و جامعه مفید می‌دانید ما را یاری کنید.

شرایط اشتراک:

بهای اشتراک سالانه (۸ جلد) در داخل کشور (با احتساب هزینه پست) چهار هزار تومان است. برای مؤسسات و کتابخانه‌ها هشت هزار تومان و برای محصلین و دانشجویان سه هزار و دوپست تومان.

متقاضیان می‌توانند وجه اشتراک را نقداً به نماینده مجله بپردازند و رسید دریافت کنند. یا وجه اشتراک را به حساب جاری شماره ۵۶۷۸/۵ بانک ملت شعبه بلوار کشاورز به نام مراد ثقفی واریز کنند و اصل برگه را با ذکر نشانی دقیق (با قید کد پستی) به نشانی صندوق پستی مجله ارسال کنند.

نام و نام خانوادگی:

نشانی:

.....

.....